



۲۰۱۳/۰۶/۱۷

عبد احکیم سامع

اسپ را از «دُم» قیضه کردن خطاست!

از چندی بدینسو، در تحت عنوان قانون «منع خشونت علیه زن» در افغانستان، بمثابه موضوع مهم حیات اجتماعی ما، تحت بحث قرار گرفته است، گفته می شود که، از سال ۱۳۸۸ هجری شمسی، ببعد بحیث یک قانون «نافذ» وجود داشته است. در مطلب منتشره در «پورتال افغان جرمن آنلاين»، نوشته محترمه «صالحه وهاب واصل»، بتاریخ ۲۰۱۳/۰۶/۰۲ می خوانیم:

« طرح قانون منع خشونت علیه زنان در بیست و نهم سرطان سال ۱۳۸۸ به اساس فرمان های تقنینی جناب محترم حامد کرزی رئیس جمهور فعلی افغانستان در چهار فصل و ۴۴ ماده، امضاء و توشیح گردید»، در نوشته های دیگر کلمه «نافذ» دیده شده است.

در سابق، درست در زمان «سلطنت» شنیده می شد که وقتی یک قانون مراحل معمول «قانونی» و رسمی خود را می پیمود، که تأیید وکلای مردم در شورای ملی هم بخشی از آن بود، بعد از «توشیح» پادشاه در «جریده رسمی» برای نشر سپرده می شد. پس از آن، همان متن «منحیث» سند قانونی مانند «رساله خاص» قانون مورد استفاده قرار می گرفت. با کسب معلومات از یک شخصیت محترم آگاه در رابطه با طرز العمل ها، قوانین و اصطلاحات، این برداشت مورد تأیید قرار گرفت. ایشان فرمودند، که اصطلاح «نافذ» فقط برای آن نوع «قوانین» بکار می رفته است، که در نتیجه صدور «فرمان تقنینی» پادشاه (صرف در هنگام رخصتی یا تعطیل شورا بعنوان «قانون نافذ» شناخته می شده است. در دولی که دارای سه پایه عمده حاکمیت «دولتی»، «سه گانه»، یعنی دارای قوای «مقننه»، «قضائیه» و «اجرائیه» و همچنان دارای قانون اساسی می باشند، تأیید قوانین را نخست از ارگان «مقننه» (در افغانستان متشکل از دو مجلس: «ولسی جرگه» و «مشرانو جرگه» اخذ میدارند)، که چنین «ارگان» متشکل از نمایندگان مردم بوده، علاوه بر «طرح و وضع قوانین» منجمله تفوض صلاحیت و رأی اعتماد به حکومت در اختیار آنست، فیصله این ارگان را «تصویب» هم می نامند. پس از طی «مراحل» به مقام معادل چون «ستره محکمه» در افغانستان، فرستاده می شود، تا «قضات» با «صلاحیت» و عمری، ماهیت قانون را در مطابقت با روح مواد «قانون اساسی» کشور، مقایسه نموده، به عبارت دیگر، بررسی نمایند. بعد از «مهر» تأیید، به مراحل نهائی سپرده می شود.

از منابع حالیه در باره قانون متذکره فوق همچنان شنیده شده است که گویا همین قانون قبلاً در «جریده رسمی نشر شده است». در سابق، وقتی قانون در جریده رسمی نشر می شد، بمفهوم «مرعی الاجراء» بودن آن بوده است، پس اگر چنین مراحل قانونی سپری شده بود، پس چه نیامندی دیده می شد، که باز به «ولسی جرگه» فرستاده شود، اگر قبلاً تصویب نشده بود، چه موانع باعث تأخیر اقدام گردیده است. قرار اطلاع این «قانون» در آزمون، با «فرمان تقنینی» رئیس جمهور به علت تعلیل شورای ملی «نافذ» گردیده است. حال خواسته اند، با تصویب و تءیید «پارلمان» مهر «دیگری» بر آن بکوبند، که متأسفانه، در فرصت مناسب، این وظیفه انجام نیافت و حال به «بن بست» و تا «حدی به رسوائی» انجامید. باز هم تا حدی غیر دقیق است، که این قانون را در قدم اول کدام مرجع طرح نموده است. تا چه اندازه «شرایط عینی و ذهنی» و اوضاع داخل کشور، بخصوص سنن و عنعنات و رسوم در نظر گرفته شده باشد. در جوامعی که سیستم های سیاسی قانونی مسلط اند، طرح قانون را اولاً طوریکه قبلاً تذکار یافته است، از مراجع «مقننه» می گذرانند. در کشور «بحرانی» ما هم باید در همچو «دیموکراسی» نو زاد جدی تر عملی می شد. حال درین وضع پیچیده، به اصطلاح معمول «ناسیونالیزم جهادی» در «حاکمیت» کنونی افغانستان، با «مرکبات فساد اداری»، «متنفذین مافیائی نسل نوین» و «کلالر سفیدان»، با «مهارت الکترونیکی»، دزدی های بانکی را، با «میتود» های ماهرانه تر از جهان پیشرفته در افغانستان، به پیش می برند. حال نه تنها راه «جرم و جنایت» را برای خود با لغو قوانین موجود و وضع قوانین طبق دلخواه باز نگه میدارند،

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلۍ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولۍ

بلکه بی باکانه، هر لحظه کشور را به «جهاد تعریف شده» خود آنها می کشانند، در صورتیکه «مقام» آنها در «حاکمیت» کشور تحت «خطر» قرار گیرد.

وقتی در اخیر سال ۲۰۰۱م، در کنفرانس «بن»، تصمیم «اتخاذ» گردید، بصراحت از «ضرورت» فوری، تأسیس سیستم «اداری - سیاسی» و ایجاد «سیستم حقوقی» بخاطر برقراری حیات «دولت مرکزی»، تحت حمایت و همکاری های «بین المللی»، در پهلوی وظایف بی شمار دیگر، سخن بزبان می آمد. «ختم جنگ»، بر قراری صلح و «اعمار مجدد» و غیره از جمله «تعهداتی» شمرده می شد، که بوفرت می شنیدیم.

حال بیهوده است که روی «عواملی» تبصره صورت گیرد، که «چه کسانی» با این «قانون» مخالفت نموده، نخواستند، تا بحیث سند دائمی معتبر، در نقش یک «فکتور» «مؤثر» در دست مراجع «حقوقی» بخاطر خاتمه بخشیدن به حالت غم انگیز و فاجعه خونین و تباہ کن، در برابر زنان وطن ما، بیفتد. بدون عامل و دلیل هم نمی توان ساده پذیرفت.

مردم افغانستان حد اقل انتظار برداشت و درک بهتر و سازنده تر این قانون را از «ولسی جرگه»، و وکلای خود داشتند، که هرگاه «نمایندگان» منتخب مردم، با نکاتی از «محتوای قانون» کاملاً موافق نبوده اند، می توانستند، با کمی تعدیل آنرا به تصویب رسانند، نه اینکه با این شیوه، در برابر حیات انسان ها، برخورد بی مسؤولیت صورت گیرد. «فکت ها» و علایم بی شمار نشان می دهد، که در «حقیقت» در طی مدت زمان قریب «دوازده سال»، حلقات و محافل معین، «مسؤول» جنگ داخلی، مواضع حساس قدرت دولتی را که، مشغول ثروت اندوزی و پیشبرد فساد اداری و مسؤول سائر اعمال جرمی اند، حفظ داشته اند. کشور از نگاه سیاسی، تصویری را نشان می دهد، که در حقیقت در حالت «پیچیده تر» از سابق قرار گرفته است. زیرا این «حلقات حاکمیت» از بالا تا پائین از پائین تا بالا اعتبار و اعتماد مردم را از دست داده اند. خطر محسوس است، که مبادا، همه آنچه بدست آمده است، بار دیگر بباد فنا رود.

پایان

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ